

بررسی و تبیین جامعه‌شناختی اعتیاد زنان در محله‌های فرودست شهر اراک

عباس خسروانی^۱

رضا علی محسنی^۲

حبیب صبوری خسروشاهی^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۰۱

چکیده

هدف از انجام این پژوهش شناسایی و تبیین جامعه‌شناختی اعتیاد زنان در محله‌های فرودست شهر اراک است. برای این منظور ۵ مؤلفه اصلی این محله‌ها یعنی تراکم جمعیت، ناهمگونی جمعیت، ناهماهنگی اهداف و امکانات، ارتباط با بزهکاران و فرهنگ فقر شناسایی و تأثیر آن‌ها بر اعتیاد زنان ساکن این محله‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نمونه آماری ۳۷۴ نفر است که با روش نمونه‌گیری ۳ مرحله‌ای سهمیه‌ای، خوشه‌ای و تصادفی ساده از بین ۱۴۴۵۰ زن ساکن در ۹ محله فرودست شهری اراک انتخاب شده‌اند. این پژوهش نشان داد که اعتیاد در محله‌های فرودست شهر اراک از سطح بالائی برخوردارند و ۵ شاخص این محله‌ها نیز زیاد و خیلی زیاد ارزیابی شده‌اند. به طوری که در این پژوهش اعتیاد در محله‌های فرودست، با میزان تراکم و ناهمگونی جمعیت، ناهماهنگی اهداف و امکانات موجود، میزان ارتباط با افراد بزهکار و سطح فرهنگ فقر رابطه معنی‌دار و مستقیمی دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مقدار ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی و ضریب تعیین متغیر مصرف مواد مخدر برابر ۰/۹۷۰ و ۰/۹۴۱ است. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که اثر عوامل تراکم محل سکونت، ناهمگونی جمعیت، ناهماهنگی امکانات و اهداف، ارتباط با بزهکاران و فرهنگ فقر بر روی اعتیاد زنان معنی‌دار است.

واژگان کلیدی: اعتیاد، زنان، محله‌های فرودست شهری، شهر نشینی، فرهنگ فقر.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهر ان مر کزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشیار جامعه‌شناسی، واحد تهر ان مر کزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). mohseni.net14@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهر ان شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

جهان امروز به سرعت به سمت شهری شدن پیش رفته و می‌رود. گزارش‌های رسمی نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۳ حدود نیمی از جمعیت جهان یعنی جمعیتی بالغ بر سه میلیارد نفر در مناطق شهری زندگی می‌کرده‌اند و با توجه به فرایند موجود، احتمال اینکه این جمعیت تا سال ۲۰۳۰ به ۳ تا ۵ میلیارد نفر برسد زیاد است. به عبارتی تا سال ۲۰۳۰ چیزی در حدود ۶۰ درصد کل جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی خواهند کرد. نکته مهم این است که اکثر این جمعیت در کلان‌شهرهایی ساکن خواهند شد که در کشورهای معروف به در حال توسعه قرار دارند. هم‌چنین در این کلان‌شهرها، اکثر این جمعیت در مناطق فرودست شهری اسکان می‌یابند. به عبارتی پیش‌بینی می‌شود اگر مواجهه با جمعیت شهری در حال گسترش این کشورها، با برنامه‌ریزی دقیق و مناسبی همراه نباشد، تعداد ساکنین محلات مذکور تا سال ۲۰۳۰ به دو برابر افزایش پیدا کند.^۱

کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن بیست و یکم میلادی نیز، هشدار داده است که به موازات رشد ابرشهرها، فقر شهری در کشورهای جنوب افزایش یافته و بخش عمده‌ای از رشد شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیررسمی و همراه با گسترش سکونت‌گاه‌های غیررسمی صورت خواهد گرفت و این گرایش را غیررسمی شدن شهرنشینی نامیده است (Hall & Pfeiff, 2000:124).

بر اساس گزارش هیئات مناطق شهری در ۳۰ سال آینده مهم‌ترین کانون رشد جمعیت جهان خواهند بود و با این افزایش جمعیت، دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه با چالش نرخ رشد بالای فقر مواجه هستند. این دگرگونی با پدیده شهری شدن فقر همراه بوده به طوری که زمانی فقر بیشتر در روستا نمایان بوده و امروزه به فقر شهری تبدیل گشته است. با این افزایش فقر و کمبود مسکن ناشی از آن، شاهد شکل‌گیری هر چه بیش‌تر سکونتگاه‌های غیررسمی هستیم به گونه‌ای که جمعیت جهانی این سکونتگاه‌ها تا سال ۲۰۲۰ در حدود ۸۸۹ میلیون تخمین زده شده است (Divyani, 2011).

طی سال‌های اخیر مفهوم امنیت شهری در پیوند با توسعه پایدار شهری مورد توجه پژوهشگران و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. از جمله، گزارش جهانی سکونتگاه‌های بشر در سال ۲۰۰۷ م. کلاً به

موضوع امنیت شهری اختصاص یافته و آن را در سه حوزه ذیل طبقه بندی کرده است: امنیت سکونت، امنیت در پیوند با سوانح (طبیعی و ساخته به دست انسان) و امنیت در مقابل جرم و بزه کاری (UN-Habitat, 2007). کلان شهرها و شهرهای صنعتی به خصوص در کشورهای جنوب، بیشترین حجم محله‌های فرودست را در خود جای داده‌اند. این نوع از سکونت که هم در درون و هم در حاشیه کلان شهرها ظهور و بروز پیدا می‌کند در تمام ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی با نوع سکونت غالب در شهر تفاوت دارد. عواملی چون بیکاری، فقر، نداشتن مسکن استاندارد، قرار گرفتن در انزوای اجتماعی، عدم تعلق خاطر و وابستگی به ارزش‌ها، باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و گسترش آسیب‌های شهری در این نقاط شهر شده است. این محله‌ها علاوه بر اینکه سبب ناهمگونی در سیمای شهری شده‌اند، موجب برهم ریختن تعادل و توازن فرهنگی و گسترش بزهکاری، تعارض، فقر و ناهمگونی اجتماعی جمعیتی و نظایر این‌ها نیز گشته‌اند. کلان شهر اراک از جمله شهرهایی است که با این قبیل محله‌ها و عوارض آن روبه روست. به طوری که ضمن تثبیت این محله‌ها و احتمال تبدیل شدن برخی از محلات فعلی به مناطق فرودست و حتی احتمال شکل‌گیری محله‌های جدید فرودست، دغدغه و نگرانی مسئولین را دو چندان کرده است.

اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر، فقر، فحشا و نزاع و درگیری از جمله مسائلی است که در محله‌های فرودست شهرهای بزرگ رایج است و شرایط حاصل‌خیزی را برای بروز هر چه بیش‌تر آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌کند. زنان حاشیه‌نشین به دلیل فقر فرهنگی، اقتصادی و عدم دسترسی به خدمات شهری به خصوص به دلیل وضعیت نامناسب بهداشت محیط و بهداشت فردی از بعد سلامت جسمی و گاهی روحی دچار مشکل هستند. نرخ باروری بالا همراه با سطح پایین وضعیت بهداشتی، زنان را در معرض انواعی از بیماری‌ها قرار می‌دهد. مردانی که در حاشیه شهرها سکونت دارند در طی روز باید برای انجام کار به شهر بروند و این زنان خانه‌دار و کودکان هستند که در طول شبانه‌روز در مناطق حاشیه‌ای حضور دارند و به لحاظ بهداشت تن و روان در شرایط مطلوبی نیستند. آزار جسمی و جنسی زنان، ازدواج‌های معامله‌ای، اجبار به تکدی‌گری، تن‌فروشی و اعتیاد، فروش مواد مخدر از انواع خشونت علیه زنان در محلات حاشیه‌ای به‌شمار می‌رود که در این مقاله به مقوله اعتیاد می‌پردازیم. در ادامه به برخی تحقیقات صورت گرفته در این حوزه اشاره می‌شود:

فریده نارویی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش اعتیاد پذیری زنان حاشیه‌نشین شهرستان کهنوج، به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش مهارت‌های زندگی در کاهش اعتیاد پذیری

زنان حاشیه‌نشین شهرستان کهنوج مؤثر است. مرضیه توکلی دینانی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان بررسی مسائل زنان حاشیه‌نشین با تأکید بر آسیب‌های روانی-اجتماعی در منطقه ارزنان و دارک اصفهان نشان داد که بین متغیر حاشیه‌نشینی و نگرش به اعتیاد، دست‌فروشی، تکدی‌گری، روسپیگری، رابطه معنی‌دار بوده است. زنان منطقه بیش‌تر در معرض خشونت خانگی قرار دارند. حاشیه‌نشینی تأثیری بر فقر زنان ندارد. آسیب‌های روانی چون افسردگی و اضطراب بین این زنان شیوع بیش‌تری داشته است اما حاشیه‌نشینی تأثیری بر استرس زنان ندارد و زندگی حاشیه‌نشینی زنان ارزنان و دارک دخالتی در وضعیت طلاق آن‌ها ندارد. یوسف درویشی (۱۳۹۳) در مقاله حاشیه‌نشینی و نقش آن در بروز و گسترش مواد مخدر و اعتیاد نشان داد که گسترش حاشیه‌نشینی در شهر اردبیل و اسکان جمعیت غیر شهری در آن، به افزایش ناهنجاری‌های رفتاری در این بخش از شهر انجامیده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که رشد شتابان شهری در اردبیل و گسترش حاشیه‌نشینی، سبب افزایش آسیب‌های ناهنجار اجتماعی، از جمله مواد مخدر در شهر اردبیل، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشینی (اسکان غیر رسمی) شده است.

چارچوب نظری این پژوهش از دیدگاه‌های بوم‌شناختی اجتماعی، نابسامانی اجتماعی و رویکرد فقر تشکیل شده است. در نظریه بوم‌شناختی برای توضیح انحرافات اجتماعی بر مفاهیم و متغیرهایی چون تراکم جمعیت و ناهمگونی جمعیت به لحاظ فرهنگی تأکید شده است و در دیدگاه نابسامانی بر ناهمگونی بین اهداف و ابزارها و میزان ارتباط با بزهکاران تأکید شده و در نظریه‌های فقر به بررسی متغیرهای فرهنگ فقر و تأثیر آن بر اعتیاد زنان در محله‌های فرودست شهری پرداخته شده است. به طور کلی بوم‌شناسان شهری پنج مرحله عمده بوم‌شناختی در شهرها را تشخیص داده‌اند: تراکم، تمرکز، تمرکززدایی، انشعاب و تهاجم (کوئن، ۱۳۷۰: ۲۳۴).

بر اساس نظریات مکتب شیکاگو، بالا بودن نرخ جمعیت ناپایدار در یک حوزه جغرافیایی و ناهمگونی جمعیت عوامل مهمی در شکل‌گیری یک محیط اجتماعی بی‌ثبات هستند که اثرات زیان‌باری بر نظام اجتماعی محیط مسکونی بر جای می‌گذارد. پارک و همکارانش در تحقیقاتی که به انجام رسانده‌اند به این نتایج دست یافتند که: ۱- شهر مکانی مملو از جمعیت و تنوع فرهنگی است، ۲- جامعه شهری از نظام اجتماعی همگون و یگانه بی‌بهره است، ۳- فاصله طبقاتی از ویژگی‌های بارز شهر است، ۴- شهر از نرخ بالای مهاجرت برخوردار است و ۵- در شهر نرخ وقوع جرایم بالا است (محسنی، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

زیمل هم عدم تجانس و ناهمگونی شهرها را به دلیل هجوم مهاجرین و مردمانی با ریشه‌های قومی و فرهنگی و نژادی، موجب بروز ناهمگونی و تضاد در درون شهرها می‌داند و همین امر نابرابری‌ها و تضادها را افزایش می‌دهد و به دنبال آن آسیب‌های مختلف اجتماعی مثل سرقت و قتل در شهرها گسترش می‌یابد. به نظر زیمل تماس فیزیکی نزدیک بین افراد متعدد لزوماً تغییراتی را در وسایل، جهت برقراری ارتباط با محیط شهری و مخصوصاً با افراد دیگر به همراه دارد (زیمل، ۱۳۷۲: ۲۲)

از بعد نظری نیز امیل دورکیم معتقد بود که بین اهداف و آرزوهای افراد و امکاناتی که در اختیار دارند می‌بایست یک تعادلی وجود داشته باشد تا جامعه در شرایط ثبات قرار گیرد. به عبارتی در شرایط اجتماعی ثابت و استوار، آمال انسان‌ها از طریق هنجارها، مدیریت و کنترل می‌شود و با از هم گسیختگی هنجارها و از بین رفتن کنترل آرزوها، یک وضعیت از آرزوهای بی حساب و کتاب یا آنومی پیش می‌آید. از آنجا که این آرزوها ارضاء نمی‌شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی پدید می‌آید. سپس این نارضایتی به شکل اقدامات منفی نظیر: خودکشی، تبه‌کاری، طلاق و غیره ظاهر می‌شود. دورکیم تعداد و شدت فعالیت‌های مجرمانه در یک جامعه را مرتبط با قدرت و وسعت عاملی اجتماعی به نام وجدان جمعی می‌داند. از نظر وی، اگر این نیرو در جامعه‌ای قوی‌تر باشد، تعداد رفتارهایی که یک فرمان اجتماعی یا یک ممنوعیت را زیر پا می‌گذارند کم‌تر می‌شوند (آرون، ۱۳۸۲: ۳۷۰)

در میان عناصر تشکیل‌دهنده ساخت اجتماعی، مرتون دو عنصر را از لحاظ کثرت رفتاری مهم‌تر می‌شمارد یکی هدف‌ها یا مقاصدی است که فرهنگ جامعه تعیین می‌کند و بصورت آرمان‌های اجتماعی درمی‌آید و دیگری راه‌هایی است که جامعه برای رسیدن به هدف‌ها و آرمان‌های فرهنگی توصیه می‌کند. مرتن بر این رابطه تأکید دارد. به طوری که ساخت‌های اجتماعی با فشارهای خاصی که بر برخی افراد وارد می‌کند اهداف و آرزوهای آن‌ها را شکل می‌دهد و اگر این اهداف و آرزوها با امکانات فرد مناسبتی نداشته باشد، آن‌ها را وا می‌دارد که به کارهایی دست بزنند که از نظر جامعه مجرمانه است. تأکیدی که از نظر فرهنگی بر برخی از هدف‌ها می‌شود، با میزان تأکیدی که بر هنجارهای نهادی شده اعمال می‌شود تناسبی ندارد. گاهی ممکن است به ارزش‌های مربوط به هدف‌هایی معین تأکید شدید یا استثنایی شود اما در عین حال توجه چندانی به ابزارهای نهادی شده برای رسیدن به آن هدف‌ها نشود (Merton, 1949: 130).

به نظر ساترلند اکثر رفتارهای بزهکارانه فراگرفته می‌شود و نهادهای مختلف هر یک سهمی در این آموختن دارند. هم‌چنین فرآیند یادگیری رفتار بزهکارانه بواسطه ارتباط و تعامل با بزهکاران و غیر بزهکاران صورت می‌گیرد و با هر نوع یادگیری دیگر یکسان است. افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند بزهکار یا تبهکار می‌شوند. به نظر ساترلند اکثر رفتارهای بزهکارانه درون گروه‌های نخستین به‌ویژه گروه همالان فراگرفته می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۳:۱۴۰).

بر اساس نظریه فرهنگ فقر، محلات حاشیه‌نشین علاوه بر این که با فقر مالی خانواده‌ها تعریف می‌شوند، به لحاظ فرهنگی و مدنی نیز ویژگی‌ها و معضلاتی دارند که باعث عدم پذیرش آنان در جامعه بزرگ‌تر و تثبیت رفتارشان در فرهنگ غالب است. گاهی این الگو، بسیار آسیب‌زا و لطمه‌زننده است و نه تنها در دراز مدت باعث آسیب به فرد و جامعه می‌شود بلکه امید به تغییر شرایط را از بین می‌برد. به طور کلی، شاخص‌های مهم فرهنگ فقر در نظریه اسکار لوئیس عبارتند از: عدم مشارکت فقرا در کار مؤسسه‌های عمومی به عنوان عضو مسلم جامعه؛ بهره‌ناچیز آن‌ها از بانک‌ها، بیمارستان‌ها، فروشگاه‌های بزرگ، موزه‌ها و تالارهای هنری؛ بی‌اعتمادی به دولت و دارندگان جاه و مقام؛ بیزاری از پلیس؛ اخذ وام از رباخواران محلی با بهره سنگین؛ گرو گذاشتن اشیای شخصی؛ خرید اثاث و لباس کهنه؛ تقدیرگرایی؛ کوتاهی دوران کودکی؛ محروم بودن کودکان از حمایت‌های لازم، محرومیت افراد از مهر و محبت مادری؛ شروع روابط جنسی در سنین پایین؛ روابط آزاد و یا ازدواج‌های قراردادی؛ ترک زن و فرزند؛ شکاف زیاد در بین اعضای خانواده؛ آزادی و استقلال فرزندان برای ترک خانه؛ منش ضعیف؛ پرخاشگری؛ عدم تمایل به پس انداز؛ کار زنان و جوانان؛ خانه‌های کوچک پرجمعیت؛ پایین بودن سطح سواد؛ پایین بودن درآمد و داشتن مزد اندک (لوئیس، ۱۳۷۴).

بر اساس تعریف برنامه توسعه هزاره اصطلاح محله‌های فرودست شهری بر طیف گسترده‌ای از سکونتگاه‌های گروه‌های کم‌درآمد با وضعیت نامناسب زندگی دلالت دارد. عام‌ترین تعریف این اصطلاح دلالت بر مناطق پرجمعیت شهری دارد که مشخصه آن‌ها واحدهای مسکونی پایین‌تر از حد استاندارد و فاقد بهره‌مندی از خدمات کافی است. این تعریف بر ویژگی‌هایی از قبیل تراکم زیاد جمعیت، مسکن غیراستاندارد و نامتعارف (از حیث ساختار و برخورداری از خدمات) و درهم ریختگی کالبدی و فلاکت ناشی از فقر و عدم خدمات‌رسانی تأکید دارد. دو معیار نخست کالبدی و فضایی هستند درحالی که سومی جنبه اجتماعی-

بررسی و تبیین جامعه‌شناختی اعتیاد زنان در محله‌های فرودست شهر اراک

اقتصادی و رفتاری دارد. واحدهای مسکونی چنین محله‌ها و سکونتگاه‌هایی از سرپناه‌های ساده و موقتی گرفته تا سازه‌های بادوام تر را شامل می‌شود و در آنها دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات پایه محدود و یا با کیفیت بسیار نازل است (جواهری‌پور، ۱۳۹۴: ۱۶۵). این اصطلاح دلالت بر تمامی سکونت‌گاه‌هایی دارد که وضعیت مسکن نامناسب و کمبود خدمات شهری مواجه هستند و در برخی موارد فاقد مجوز قانونی برای تملک زمین و واحد مسکونی هستند.

در این پژوهش محله‌های فرودست شهری با ویژگی‌های زیر در نظر گرفته شده است:

۱- منطقه‌ای به صورت مسکونی رو به ویران، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها

۲- تسلط فرهنگ فقر در منطقه

۳- جدایی‌گزینی توده‌های از مردم روستا از جامعه شهری

۴- گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهری

۵- مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستا و شهر در حاشیه شهر (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

لذا با توجه به مطالبی که ذکر گردید پژوهش حاضر به دنبال آزمون فرضیه‌های زیر می‌باشد:

فرضیه اصلی: بین ویژگی‌های محله‌های فرودست شهر اراک و اعتیاد زنان در این محله‌ها رابطه وجود

دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱- بین میزان تراکم جمعیت در محله‌های فرودست شهر اراک و اعتیاد زنان در این محله‌ها رابطه وجود

دارد.

۲- بین ناهمگونی جمعیت در محله‌های فرودست شهر اراک و اعتیاد زنان در این محله‌ها رابطه وجود

دارد.

۳- بین ناهماهنگی اهداف و فرصت‌های مشروع ساکنان محله‌های فرودست شهر اراک و اعتیاد زنان در

این محله‌ها رابطه وجود دارد.

۴- بین میزان ارتباط ساکنان محله‌های فرودست شهر اراک با بزه‌کاران و اعتیاد زنان در این محله‌ها

رابطه وجود دارد.

۵- بین میزان فرهنگ فقر در محله‌های فرودست شهر اراک و اعتیاد زنان در این محله‌ها رابطه وجود دارد.

روش

در این پژوهش تلاش شد تا تأثیرات ویژگی‌های محله‌های فرودست شهری بر اعتیاد زنان از طریق انجام یک پیمایش مورد سنجش قرار گیرد و در این روش از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع، کلیه زنان ۱۵ تا ۶۴ سال ساکن در ۹ محله فرودست شهر اراک است که تعدادشان بر اساس آمار شهرداری اراک در سال ۹۰ تعداد ۱۴۴۵۰ نفر گزارش شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش ۳ مرحله‌ای سهمیه‌ای، خوشه‌ای و تصادفی ساده است. طبق فرمول کوکران حجم نمونه برابر است با ۳۷۴ نفر که این محاسبه با سطح خطای ۵ درصد صورت گرفته است. بعد از تدوین پرسشنامه و قبل از اجرای نهایی آن، آزمون مقدماتی یا پیش‌آزمون انجام شد که طی آن هر پرسش و کلیت پرسشنامه با دقت ارزیابی گردید و علاوه بر ارزیابی تک تک گویه‌ها، خود پرسشنامه نیز از جهات روان بودن سوالات، زمان بندی، علاقه و توجه پاسخگو و مواردی از این دست مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش برای انجام توصیف نتایج از جداول فراوانی، درصدها و شاخص‌های مرکزی و پراکندی استفاده شده است. همچنین برای تحلیل نتایج بدست آمده از ضرایب همبستگی به خصوص ضریب همبستگی کندال استفاده شده و همچنین از تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر نیز بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش متغیرهای مستقل و وابسته به شرح جدول ذیل هستند:

جدول (۱): توصیف متغیرهای مستقل و وابسته

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۷۲.۸	۲۰.۳	۵.۵	۱.۳	۰
۷۲.۶	۱۳.۷	۱۲.۷	۱.۱	۰
۸۳.۱	۱۰.۳	۶.۶	۰	۰
۶۲.۳	۲۴	۱۳.۷	۰	۰
۳۱.۱	۵۹.۴	۹.۵	۰	۰
۰	۳۳.۵	۴۳.۳	۲۳.۲	۰

بررسی و تبیین جامعه‌شناختی اعتیاد زنان در محله‌های فرودست شهر اراک

رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته این پژوهش در قالب ۵ رابطه مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش دارای ۵ فرضیه فرعی است.

فرضیه اول: بین میزان تراکم جمعیت در محله‌های فرودست شهر اراک و اعتیاد زنان رابطه وجود دارد.

جدول (۲): آزمون همبستگی کندال تائو بی دو متغیر تراکم محل سکونت با اعتیاد

نوع آزمون	ضریب کندال تائو بی	سطح معنی داری
آزمون کندال تائو بی	۰.۶۵۲	۰.۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۷۹	

با توجه به آزمون کندال تائو بی محاسبه شده به میزان ۰.۶۵۲ با ۱ درصد خطا و ۹۹ اطمینان رابطه بین ۲ متغیر معنی دار است. به عبارت دیگر بین تراکم محل سکونت با اعتیاد رابطه معنی دار و همبستگی متوسطی وجود دارد.

فرضیه دوم: بین ناهمگونی جمعیت در محله‌های فرودست شهر اراک و اعتیاد زنان رابطه وجود دارد.

جدول (۳): آزمون همبستگی کندال تائو سی دو متغیر ناهمگونی جمعیت با اعتیاد

نوع آزمون	ضریب کندال تائو سی	سطح معنی داری
آزمون کندال تائو سی	۰.۵۲۳	۰.۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۷۹	

با توجه به آزمون کندال تائو سی محاسبه شده به میزان ۰.۵۲۳ با ۱ درصد خطا و ۹۹ اطمینان رابطه بین ۲ متغیر معنی دار است. به عبارت دیگر بین ناهمگونی جمعیت و اعتیاد همبستگی قوی وجود دارد.

فرضیه سوم: بین ناهماهنگی اهداف و فرصت‌های مشروع ساکنان محله‌های فرودست شهر اراک و اعتیاد زنان رابطه وجود دارد.

جدول (۴): آزمون همبستگی کندال تائو بی دو متغیر ناهماهنگی اهداف و امکانات با اعتیاد

نوع آزمون	ضریب کندال تائو بی	سطح معنی داری
آزمون کندال تائو بی	۰.۵۹۴	۰.۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۷۹	

با توجه به آزمون کندال تائو بی محاسبه شده به میزان ۰.۵۹۴ با ۱ درصد خطا و ۹۹ اطمینان رابطه بین ۲ متغیر معنی دار است. به عبارت دیگر بین ناهماهنگی اهداف و امکانات و مصرف مواد مخدر همبستگی قوی وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین میزان ارتباط ساکنان محله‌های فرودست شهر اراک با بزهکاران و اعتیاد زنان رابطه وجود دارد.

جدول (۵): آزمون همبستگی کندال تائو بی دو متغیر ارتباط با بزهکاران با اعتیاد

نوع آزمون	ضریب کندال تائو بی	سطح معنی داری
آزمون کندال تائو بی	۰.۷۲۴	۰.۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۷۹	

با توجه به آزمون کندال تائو بی محاسبه شده به میزان ۰.۷۲۴ با ۱ درصد خطا و ۹۹ اطمینان رابطه بین ۲ متغیر معنی دار است. به عبارت دیگر بین ارتباط با بزهکاران و اعتیاد همبستگی قوی وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین میزان فرهنگ فقر در محله‌های فرودست شهر اراک و اعتیاد زنان رابطه وجود دارد.

جدول (۶): آزمون همبستگی کندال تائو بی دو متغیر فرهنگ فقر با اعتیاد

نوع آزمون	ضریب کندال تائو بی	سطح معنی داری
آزمون کندال تائو بی	۰.۴۷۰	۰.۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۷۹	

با توجه به آزمون کندال تائو بی محاسبه شده به میزان ۰.۴۷۰ با ۱ درصد خطا و ۹۹ اطمینان رابطه بین ۲ متغیر معنی دار است. به عبارت دیگر بین فرهنگ فقر و مصرف مواد مخدر همبستگی متوسطی وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی متغیر و ضریب تعیین مصرف مواد مخدر برابر ۰.۹۷۰ و ۰.۹۴۱ است. یعنی ۹۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. ضمناً با توجه به آزمون F و اینکه سطح معنی‌داری محاسبه شده برای این آماره برابر ۰.۰۰۰ بوده و نشان از معنی‌دار بودن رگرسیون در سطح ۰.۹۹ دارد. بنابراین مدل رگرسیونی خطی برآورد شده مورد قبول است. به عبارتی مدل رگرسیون می‌تواند به طور معناداری (و مناسبی) تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند.

بررسی و تبیین جامعه‌شناختی اعتیاد زنان در محله‌های فرودست شهر اراک

جدول (۷): تحلیل مسیر متغیر اعتیاد بر اساس متغیرهای مستقل

مدل	ضریب غیر استاندارد	ضریب استاندارد	T	سطح معنی داری Sig.
	B	Std. Error	ضریب بتا	
	-.۹۸۹	۰.۰۹۵	-۱۰.۴۲۳	۰.۰۰۰
تراکم محل سکونت	-.۲۰۰	۰.۰۲۸	-۷.۱۰۸	۰.۰۰۰
ناهمگونی جمعیت	-.۱۵۰	۰.۰۲۸	-۵.۲۸۴	۰.۰۰۰
ناهماهنگی امکانات و اهداف	-.۰۷۱	۰.۰۲۵	۲.۷۹۶	۰.۰۰۰
ارتباط با بزهکاران	۰.۵۸۷	۰.۰۲۲	۲۶.۳۶۲	۰.۰۰۰
فرهنگ فقر	۰.۱۲۱	۰.۰۱۹	۶.۳۳۱	۰.۰۰۰

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد مقدار احتمال (Sig.) در همه حالات کمتر از ۵ صدم است. این نشان می‌دهد که اثر عوامل تراکم محل سکونت، ناهمگونی جمعیت، ناهماهنگی امکانات و اهداف، ارتباط با بزهکاران و فرهنگ فقر بر روی متغیر وابسته که مصرف مواد مخدر می‌باشد معنی‌دار است. به عبارت دیگر تغییر در سطوح ۵ متغیر مستقل باعث تغییرات معنی‌دار در متغیر وابسته می‌گردد. بنابراین در اینجا می‌توان قضاوت کرد که متغیر ارتباط با بزهکاران بیش‌ترین سهم را در پیش‌بینی متغیر وابسته دارد به طوری که یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می‌شود تا انحراف معیار مصرف مواد مخدر به اندازه ۰.۵۸۷ تغییر کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد که محله‌های فرودست شهری در اراک به دلیل برخورداری از ویژگی‌های خاص کالبدی و فرهنگی و اجتماعی از زمینه‌ها و بسترهای لازم برای بروز انحرافات اجتماعی برخوردارند. البته این ادعا به معنای مجرم بودن یا منحرف بودن ساکنان این مناطق نیست. نتایج تحقیق نشان داد که هر چه تراکم و ناهمگونی جمعیت در یک محله بیش‌تر باشد، بروز انحرافات اجتماعی در آن محلات بیش‌تر خواهد بود. بر اساس نظریات مکتب شیکاگو، بالا بودن نرخ جمعیت ناپایدار در یک حوزه جغرافیایی و ناهمگونی جمعیت عوامل مهمی در شکل‌گیری یک محیط اجتماعی بی‌ثبات هستند که اثرات زیان باری بر نظام اجتماعی محیط مسکونی بر جای می‌گذارد. طبق نظر رابرت پارک تراکم جمعیت از مشخصه‌های مناطق شهری هستند که با جرم، بزهکاری و انحرافات اجتماعی رابطه دارد به طوری که هر چه تراکم و تحرک

جمعیت در یک منطقه بیش‌تر باشد میزان وقوع جرم و انحرافات اجتماعی نیز در آنجا بیش‌تر خواهد بود. پارک و برگس بر این باور بودند چنان‌چه اقلیت‌های فرهنگی و نژادی مهاجران، از فرهنگ متجانس خود جدا شده و به عنوان یک خرده فرهنگ وارد مناطق شهری به ویژه سکونتگاه‌های فقیرنشین شوند؛ در شهرهای صنعتی این فرآیند تبدیل گروه‌های اقلیت به خرده فرهنگ، همراه با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین ساکنان و سکونت در زاغه نشین‌های شهر منتهی به ایجاد یک خرده فرهنگ بزهکارانه و شیوع جرم و جنایت خواهد شد.

هم‌چنین طبق این تحقیق آنومی یا نابسامانی‌های اجتماعی در محله‌های فرودست شهر اراک از سطح بالائی برخوردار است و این متغیر ارتباط مستقیم و معناداری با بروز انحرافات اجتماعی دارد. محله‌های فرودست شهری یک محیط آنومیک است به طوری که قید و بندهایی که روستایی را مهار می‌کرد، در این محلات وجود ندارد. مجموعه انتظارات نقشی و اجتماعی که افراد را مهار می‌کرد، دیگر در حاشیه وجود ندارد. همان‌طور که دورکیم نشان داده است، فقدان مهار اجتماعی (آنومی) فرد را دچار کجروی‌ها و در نهایت آسیب به خود می‌سازد.

هم‌چنین طبق این تحقیق میزان ارتباط ساکنان با افراد بزهکار از سطح بالائی برخوردار است و این موضوع با بروز انحرافات اجتماعی رابطه معنی‌داری دارد. کلووارد و اوهلین معتقدند که همه‌ی افراد امکان انجام اعمال مجرمانه را ندارند بلکه تنها افرادی این امکان را دارند که نقش‌های بزهکارانه را بیاموزند و از آنجا که در محله‌های فرودست شهری افراد بزهکار بیش از نقاط دیگر شهر سکونت دارند امکان آموزش کسب مهارت‌ها و انتقال ارزش‌های بزهکارانه را در دسترس سایر جوانان قرار می‌دهند.

طبق این تحقیق سطح فرهنگ فقر در میان ساکنان محلات فرودست اراک بالا ارزیابی شده و این موضوع با بروز انحرافات اجتماعی در این محلات رابطه معنی‌داری داشته است. فرهنگ فقر در محله‌های فرودست خود را به شکل فقدان آگاهی اجتماعی، انزوای از اجتماع، داشتن احساس حقارت و ناامیدی نسبت آینده نشان داده است. در این محلات، ساکنین غیر از اینکه از بعد اقتصادی در رنج هستند، بار برجسب‌هایی را بر دوش دارند که آن‌ها را با انگ‌های مختلف، طردکردن، فخرفروشی، طعنه زدن و استثمار در کارهای سخت ساختمانی و کشاورزی به رنج و عذاب روحی دچار می‌کند. نداشتن مشارکت در مسائل انتظامی، بسته شدن روزنه مشارکت در تصمیم‌گیری و اظهار عقیده، فقدان اعتماد به نفس برای تغییر پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر تداوم فقر می‌افزاید. فضای تربیتی و روانی حاکم بر محیط که زاییده این فرهنگ است، افراد را برای مبارزه با فقر به صورتی منفی مستعد می‌کند.

بررسی و تبیین جامعه‌شناختی اعتیاد زنان در محله‌های فرودست شهر اراک

با توجه به چارچوب نظری تحقیق و سیاست توانمندسازی و در جهت پوشش ۵ متغیر مستقل تحقیق که نقش اساسی در بوجود آمدن اعتیاد در محله‌های فرودست شهر اراک داشته‌اند راهکارهای کاربردی زیر ارائه می‌گردد:

۱- توانمند سازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان محلات فرودست شهری؛

الف) توانمند سازی اقتصادی؛

- توجه به بخش غیر رسمی اقتصاد در محله‌های فرودست و ساماندهی آن؛ بخش غیررسمی از توانمندی فراوانی در برنامه ریزی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی برخوردار است و ساماندهی آن می‌تواند منافع زیادی را برای بازیگران عرصه شهری، به ویژه کم درآمدان و نیز مدیریت شهری در برداشته باشد. در واقع این نظر وجود دارد که هر برنامه‌ای برای کاهش فقر، ساماندهی و توانمندسازی محلات غیررسمی بدون توجه به ساز و کارهای اقتصاد محلی که فقرا از آن معیشت می‌کنند نمی‌تواند موفق باشد (ایراندوست، ۱۳۸۷: ۴۲). بخش غیررسمی به دلیل اهمیتش در ایجاد اشتغال به ویژه در سطح محله‌های کم درآمد باید بیش‌تر مورد توجه برنامه ریزان اقتصادی و اجتماعی شهر قرار گیرد. در حقیقت بخش غیررسمی نقش به‌سزایی در حل مشکل اشتغال در شهرهای در حال توسعه داشته و عنصری تعیین کننده در توسعه شهری است.

- ایجاد بازارچه‌های خرید و فروش و ساماندهی دست‌فروشان

- ساخت مراکز فنی و حرفه‌ای و آموزش مهارت‌های حرفه‌ای

- ارائه تسهیلات اشتغال برای ساکنان محله‌ها

- حمایت از مشاغل خانگی

در توانمندسازی فقرا، اگرچه توانمندسازی سیاسی، مدیریتی و ظرفیت‌سازی مشارکتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اما توانمندسازی اقتصادی پایه اصلی را تشکیل می‌دهد که بر بهبود شرایط کاری و درآمدی مردمی که غالباً در بخش غیر رسمی شاغل‌اند استوار است. در حقیقت در این زمینه گسستن زنجیره فقر، به‌کارگیری سرمایه اجتماعی، انسانی و ظرفیت‌سازی در تشکیل و گسترش آن در ارتباط با بهبود شرایط اقتصادی است. در توانمندسازی اجتماعات کم درآمد، رشد اقتصادی یک ضرورت است، اما رشدی که از درون و در برگیرنده و بهره‌مند کننده عادلانه جمع باشد. در واقع در این رهیافت هدف تحویل فرآیند توسعه نیست بلکه هدف تحول فرآیند منجر به توسعه است (صرافی، ۱۳۸۱: ۱۰).

اهمیت نقش اشتغال در توانمندسازی تهیدستان، آموزش و مشارکت سکنه در قالب بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی این سکونتگاه‌ها می‌تواند موجب بهبود شرایط اقتصادی محلات فقیرنشین در غالب اجتماعات محلی شده و تأثیری به سزا بر ساماندهی آن‌ها داشته باشد.

ب) توانمندسازی فرهنگی و اجتماعی؛

- ایجاد اماکن فرهنگی همچون پارک‌ها و ورزشگاه‌ها و باشگاه‌های تفریحی و ورزشی

- نهادسازی و تشکیل انجمن‌های مردمی و حمایت از اجتماعات محلی

در بعد نهادسازی می‌توان انسجام و وحدت ساکنین را افزایش و زمینه‌های اختلافات قومی و فرهنگی را کاست و از سوی دیگر احساس تعلق خاطر به محله و سرمایه‌های اجتماعی ساکنان را ارتقا بخشید. چرا که هر چه میزان احساس تعلق خاطر ساکنان به محل سکونت‌شان و همچنین سرمایه‌های اجتماعی آن‌ها افزایش یابد، زمینه‌های بروز انحرافات اجتماعی در این مناطق نیز کاهش خواهد یافت. سازماندهی و نهادسازی مدیریتی متناسب برای هدایت و حمایت ساماندهی و اسکان برنامه‌ریزی شده با مشارکت دو سویه این اجتماعات و نهادهای محلی (به ویژه شهرداری و شورای اسلامی شهرها) برای پایدارسازی اقدامات و برنامه‌ریزی‌های اجرایی و تضمین موفقیت آن‌ها ضروری است. استفاده از سرمایه‌های انسانی و اجتماعی برآمده از درون این اجتماعات، از مهم‌ترین اصول هادی در توانمندسازی و ساماندهی است. البته پی‌ریزی راه‌حل از درون نافی استفاده آگاهانه و جهت دار از منابع بخش دولتی - عمومی و بهسازی تدریجی نیست. اصل بر هدایت و حمایت این خودیاری و ارتقای توانایی‌ها و بهبود محیط زندگی این افراد در جهت یکپارچگی و پیوند آن‌ها با جامعه و اسکان رسمی است. نکته این‌که، توسعه اجتماعی - اقتصادی را باید همزمان با اقدامات ارتقاء و بهسازی کالبدی پیش برد و در این فرآیند، با مشارکت و توانمندسازی اجتماعات محلی، به ظرفیت‌سازی نهادینه شده دست یافت. همچنین لازم است با آینده‌نگری، بستر و زمینه اسکان اقشار کم درآمد به گونه‌ای در پیرامون شهرها فراهم شود که در آینده امکان ارتقاء و تعادل آن‌ها با اسکان شهری موجود به سادگی فراهم آید.

- آموزش‌های شهروندی در محله‌های فرودست شهری؛ آموزش مردم به منظور زمینه‌سازی برای مشارکت گسترده‌تر در امور شهری اهمیت به‌سزایی دارد، در تحقق اهداف مورد نظر هر چه مردم نسبت به مسائل آگاه تر شوند، قدرت مسئولیت‌پذیری آن‌ها نیز به تناسب بالا می‌رود.

- گسترش و ارتقاء خدمات سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و خیریه‌ها در زمینه‌های توانبخشی مبتنی بر جامعه، راه اندازی پایگاه خدمات اجتماعی برنامه‌های اجتماع محور، خدمات مددکاری اجتماعی- روان شناختی، ارائه تسهیلات مالی خرد، فوریت‌های اجتماعی، برنامه رشد، تکامل و امنیت غذایی کودکان نیازمند به سکونتگاه‌های غیررسمی با مشارکت سازمان‌های محلی و غیر دولتی مردم نهاد.

توانمند سازی اجتماعات محلی رهیافتی نوین برای حل مسأله‌ی فقر شهری است که دیگر مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی صرف را راهگشا نمی‌داند، بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان های غیر دولتی و محلی و مشارکت فعال مورد نظر است (هادی‌زاده بزار، ۱۳۸۲: ۳۷).
به طور خلاصه توانمندسازی اجتماع محلی و توسعه‌ی محلی رویکردی غیر متمرکز و مشارکتی است و به نوعی مکمل ارتقا بخشی است که در رابطه با تأمین حق مالکیت و توسعه‌ی اقتصادی در محله‌های فقیرنشین علاوه بر مشارکت در ساخت و ساز و بهبود محله، ضرورت درگیر شدن ساکنان محله در تصمیم‌سازی و فرآیند برنامه‌ریزی برای تشخیص اولویت‌های اقدام و حمایت در اجرا را ضروری می‌داند (UN-HABITAT, 2003: 131)

محله‌های فرودست شهری یک پدیده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که عوامل مختلفی در به وجود آمدن آن سهیم هستند و آسیب‌های مختلفی را متوجه حاشیه‌نشین‌ها و حتی ساکنان شهرها می‌کند که مهم‌ترین این آسیب‌ها، آسیب‌های اجتماعی هستند. آسیب‌هایی که تنها محدود به حاشیه شهرها نخواهند شد و به تدریج تمام جامعه را درگیر خود خواهند کرد. در این میان، وضعیت زنان به دلیل آسیب‌پذیری بیش‌تری که دارند، باید به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرد.

با این وجود به نظر می‌رسد برنامه‌های توانمندسازی و بازآفرینی شهری در محلات حاشیه باید بیش از پیش به مسائل زنان حاشیه‌نشین توجه داشته باشند. کنترل‌های رسمی در این مناطق اگرچه لازم است اما ناکافی است و باید از توان و مشارکت خود مردم برای ساماندهی و ارتقاء کیفیت زندگی زنان و مردان این مناطق سود جست. از آنجاکه اغلب برنامه فعلی توانمندسازی و سایر برنامه‌های مدیریت شهری ایران متوجه مردان است، در صورتی که زنان در این مناطق از محرومیت مضاعف در رنج هستند، وزارت راه و شهرسازی،

شوراهای شهر و کمیسیون‌های امور بانوان استانداری‌ها باید در لوایح شهری به زنان و دختران توجه ویژه داشته باشند.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۸۲). مراحل سیر اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی باقر پرهام، چاپ ششم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- توکلی دینانی، مرضیه. (۱۳۹۲). بررسی مسائل زنان حاشیه‌نشین با تأکید بر آسیب‌های روانی - اجتماعی در منطقه ارزنان و دارک اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه اصفهان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی. جواهری‌پور، مهرداد. (۱۳۹۴). محله‌های فرودست شهری و حق به شهر مورد پژوهی محله خاک سفید شهر تهران. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. دوره ۵، شماره ۲.
- درویشی، یوسف. (۱۳۹۳). حاشیه‌نشینی و نقش آن در بروز و گسترش مواد مخدر و اعتیاد (مطالعه موردی: شهر اردبیل). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی دوره ۴۶، شماره ۳.
- زیمل، گئورگ. (۱۳۷۲) کلان‌شهر و حیات ذهنی. ترجمه‌ی یوسف اباذری. نامه علوم اجتماعی. جلد دوم. شماره ۳.
- صرافی، مظفر. (۱۳۸۱). به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیر رسمی، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره ۱۰-۹.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- محسنی، رضاعلی. (۱۳۸۷). توصیف نظری جرایم و آسیب‌های شهری، رویکردی جامعه‌شناختی. فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان. شماره ۱۲.
- نارویی، فریده؛ سالاری اسکر، مختار؛ منظری توکلی، زهره. (۱۳۹۴). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش اعتیاد پذیری زنان حاشیه‌نشین شهرستان کهنوج. دومین همایش ملی چالش‌ها و راهکارهای توسعه.
- هادی‌زاده بزار، مریم. (۱۳۸۲). حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن. مشهد: انتشارات شهرداری مشهد.

بررسی و تبیین جامعه‌شناختی اعتیاد زنان در محله‌های فرودست شهر اراک

- Divyani. Kohli. (2011). An ontology of slum for image-based classification, Computers, Environment and Urban Systems.
- Hall, Peter & Pfeiffer, Ulrich. (2000). Urban: E & FN spon. PP:124-130.
- Merton. Robert. K. (1949). social theory and social structure, New York, free press.
- Pugh, Cedric. (2005). Squatter Settlements, Their Sustainability, Architectural Contributions, and Socio ° Economic Roles. in :Cities Vol .17, No 5.
- UN-HABITAT. (2003). The Challenge of Slums: Global Report on Human Settlement 2003, London: Earthscan.
- UN-HABITAT. (2007). Global Report on Human Settlements 2007: Enhancing Urban Safety and Security, London: Earthscan.

